

جریان‌های فرهنگی ایران معاصر

(۱۳۵۷-۱۳۴۰)

رضا بیگدلو

www.ketab.ir



♦ **جریان‌های فرهنگی ایران معاصر (۱۳۴۰-۱۳۵۷)**

رضا بیگدلو

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان

طراح جلد: وهب رامزی

چاپ و صحافی: الغدير

سرشناسه: بیگدلو، رضا.

عنوان و نام پدیدآور: جریان‌های فرهنگی ایران معاصر (۱۳۴۰-۱۳۵۷) رضا بیگدلو

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۶۳۶ص.

شابک: ۱- ۳۹۲-۱۰۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا.

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

موضوع: ایران — زندگی فرهنگی — ۱۳۴۰-۱۳۵۷.

موضوع: سیاست فرهنگی — ایران — تاریخ — ۱۳۲۰-۱۳۵۷.

موضوع: Cultural policy—Iran—History—1941-1979.

موضوع: Iran—Intellectual life—1961-1978.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ج ۴ / پ ۱۵۰۱ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۶۲۷۳۸

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست

پیشگفتار.....	۱۳
مقدمه.....	۱۹
بیان مسئله.....	۲۱
پیشینه تحقیق.....	۲۳
پرسش‌های اصلی تحقیق.....	۲۵
سؤال‌های فرعی.....	۲۵
فرضیه پژوهش.....	۲۶
روش تحقیق.....	۲۶
تعریف برخی از مفاهیم و اصطلاحات.....	۲۶
اهمیت و ضرورت پژوهش (نوآوری‌های پژوهش).....	۲۹
سامان پژوهش.....	۳۱
بخش اول: پیشینه‌شناسی جریان‌های فرهنگی در ایران معاصر.....	۳۵
فصل اول: جریان‌های فرهنگی قدمایی.....	۳۹
۱. شریعت‌گرایی.....	۴۳
۲. صوفی‌گرایی.....	۵۷
۳. باستان‌گرایی پیشامدرن.....	۶۳
فصل دوم: جریان‌های فرهنگی نوپدید.....	۶۷
درآمد.....	۶۷

۱. جریان فرهنگی تجددخواه ۶۹
- ۱-۱. ترقی‌خواهی ۷۰
- ۱-۲. جریان فرهنگی باستان‌گرایی ۷۹
- ۱-۳. تجددگرایی سازمان‌یافته ۸۳
- ۱-۳-۱. ناسیونالیسم باستان‌گرا ۸۷
- ۱-۳-۲. ترویج سبک زندگی تجددمآبانه ۸۸
- ۱-۳-۳. عرفی‌گرایی (سکولاریسم فرهنگی) ۸۹
۲. جریان نوپدید دینی ۹۴
- ۲-۱. عامل مؤثر در پیدایش و رشد نوگرایی دینی ۹۴
- ۲-۱-۱. پشه‌های مادی‌گرایانه و الحادی ۹۴
- ۲-۱-۲. مقاله: توسعه‌طلبی استعمار ۹۵
- ۲-۱-۳. گسترش اندیشه‌های شرق‌شناسی ۹۷
- ۲-۱-۴. ظهور هاشمی و ابن‌گریر ۹۷
- ۲-۲. اصلاح فکر دینی (نیاگرایی) ۱۰۰
- ۲-۳. نوگرایی دینی ۱۰۵
- ۲-۴. اصالت‌گرایان رادیکال ۱۱۸
۳. جریان فرهنگی چپ ۱۲۲
- ۳-۱. عوامل هم‌مونیک‌شدن گفتمان حزب توده ۱۳۱
- ۳-۱-۱. خالی‌شدن ناگهانی صحنه از نیروی سرکوب‌گر رضا شاه ۱۳۱
- ۳-۱-۲. انتقال‌پذیری زبان سیاسی مارکسیسم ۱۳۲
- ۳-۱-۳. جذابیت فلسفی و ایدئولوژیکی حزب توده ۱۳۲
- ۳-۱-۴. تأکید حزب بر آزادی‌خواهی و عدم تأکید بر اصول مارکسیسم ۱۳۴
- ۳-۱-۵. شکاف طبقاتی جامعه ایران ۱۳۴
- ۳-۱-۶. اقدام‌های سکولاریستی پهلوی اول ۱۳۵
- ۳-۱-۷. آوازه انقلاب کبیر و پیروزی‌های شوروی ۱۳۵
- ۳-۲. افول حزب توده و چرخش فرهنگی و ادبی چپ‌گراها ۱۴۲

۱۴۳.....	۳-۲-۱. نشریات
۱۴۴.....	۳-۲-۲. ادبیات
۱۴۹.....	۱۳۵۷-۱۳۴۰
۱۵۳.....	فصل سوم: زمینه تاریخی
۱۵۳.....	۱. انقلاب سفید
۱۵۹.....	۲. مهم‌ترین تحولات ناشی از برنامه‌های مدرنیزاسیون دولت
۱۵۹.....	۲-۱. دگرگونی بنیادی در اقتصاد
۱۵۹.....	۲-۲. جوین ساخت نوپاتریمونیال رژیم
۱۶۷.....	۲-۳. وابستگی فزاینده آمریکا و رابطه با اسرائیل
۱۷۰.....	۲-۴. دگرگونی ساخت اجتماعی کشور
۱۷۵.....	فصل چهارم: رویکردهای نظری در جریان فرهنگی رسمی
۱۷۶.....	۱. هدف‌های سیاست فرهنگی رسمی
۱۷۹.....	۱-۱. نیاز به نوسازی فرهنگی به دنبال سیاست اقتصادی
۱۸۰.....	۱-۲. کسب و جاهد اخلاقی و مشروعیت برای دولت
۱۸۲.....	۱-۳. اعمال سلطه و کنترل بر جامعه
۱۸۳.....	۲. بنیادهای ایدئولوژیک دولت پهلوی
۱۸۴.....	۲-۱. اصلاحات اجتماعی و اقتصادی (انقلاب سفید)
۱۸۷.....	۲-۲. عرفی‌گرایی (سکولاریسم)
۱۹.....	۲-۳. ناسیونالیسم شاهنشاهی
۲۰۸.....	۲-۴. شبه‌بومی‌گرایی
۲۲۱.....	۲-۵. مذهب‌گرایی
۲۲۶.....	۲-۶. شبه‌دموکراسی
۲۲۹.....	۲-۷. نوسازی (مدرنیزاسیون)
۲۴۵.....	فصل پنجم: برنامه عمل فرهنگی رسمی
۲۴۵.....	درآمد

۲۴۸ ۱. نهادسازی فرهنگی

۲۴۹ ۱-۱. وزارت اطلاعات

۲۵۰ ۱-۲. تأسیس رادیو و تلویزیون ملی

۲۵۰ ۱-۳. تشکیل وزارت فرهنگ و هنر

۲۵۲ ۱-۴. شورای عالی فرهنگ و هنر

۲۵۲ ۱-۵. بنیاد فرهنگ ایران

۲۵۳ ۱-۶. سازمان ملی حفاظت آثار باستانی

۲۵۳ ۱-۷. سازمان جشن هنر

۲۵۳ ۱-۸. شورای فرهنگی سلطنتی

۲۵۴ ۱-۹. سازمان ملی فولکلور ایران

۲۵۵ ۱-۱۰. انجمن ملی رابط فرهنگی

۲۵۵ ۱-۱۱. کاغذهای براتانی

۲۵۶ ۱-۱۲. بنیاد پهلوی

۲۵۶ ۱-۱۳. سپاهیان دانش

۲۵۷ ۱-۱۴. پیش‌آهنگی

۲۵۸ ۲. سازوکارهای اجرایی سیاست فرهنگی

۲۶۷ ۲-۱. مطبوعات

۲۷۳ ۲-۱-۱. مجله ستاره سینما

۲۷۴ ۲-۱-۲. مجله زن‌روز

۲۷۵ ۲-۱-۳. مجله تماشا

۲۷۷ ۲-۲. سینما

۲۷۹ ۲-۲-۱. ترویج مدرنیسم

۲۸۱ ۲-۲-۲. سیاست‌زدایی

۲۸۲ ۲-۲-۳. تبلیغ انقلاب سفید

۲۸۳ ۲-۲-۴. مبارزه با کمونیسم

۲۸۳ ۲-۲-۵. تبلیغ ناسیونالیسم شاهنشاهی

۲۸۴	۲-۳. کاخ جوانان
۲۸۵	۲-۴. احزاب دولت ساخته
۲۹۱	۲-۵. جشن هنر شیراز
۲۹۵	۲-۶. رادیو و تلویزیون ملی
۳۰۳	بخش سوم: جریان های فرهنگی غیررسمی (مقاومت)
۳۰۵	فصل ششم: عوامل مؤثر بر شکل گیری و تحول جریان های فرهنگی غیررسمی
۳۰۶	۱. غرب انتقادی روشنفکران ایرانی
۳۱۴	۲. مدل گیری ایده بومی گرایی
۳۲۲	۳. روی اندیشه های انتقادی در غرب
۳۲۶	۴. مارکسیسم انتقادی و غرب نو
۳۳۵	۵. تحولات درونی بیان مذهبی
۳۳۷	فصل هفتم: جریان فرهنگی
۳۳۸	درآمد
۳۴۲	۱. بنیادهای نظری جریان چپ فرهنگی
۳۴۲	۱-۱. استعمارستیزی و رواج ادبیات انتقادی از مدرنیته
۳۴۹	۱-۲. تأکید بر هویت و اصالت فرهنگی
۳۵۶	۱-۳. مقابله با جریان فرهنگی رسمی
۳۶۲	۱-۴. حمایت از جنبش های آزادی بخش جهان سوم
۳۶۵	۲. آفرینش های فرهنگی
۳۶۵	۲-۱. ادبیات
۳۶۵	۲-۲. شعر انقلابی و چریکی
۳۸۵	۲-۳. رمان
۳۹۰	۲-۴. سینما
۳۹۹	۲-۵. موسیقی
۴۰۳	۲-۶. نشریات
۴۱۱	فصل هشتم: جریان فرهنگی مذهبی

درآمد.....	۴۱۲
۱. گرایش‌های روشنفکری دینی.....	۴۲۸
۱-۱. رویکرد علم‌باوری.....	۴۲۹
۱-۲. رویکرد ایدئولوژی‌گرایی.....	۴۴۱
۱-۲-۱. خداپرستان سوسیالیست.....	۴۴۶
۱-۲-۲. شریعتی؛ همسازی دین با مدرنیته انتقادی و سوسیالیسم انسانی.....	۴۵۰
۱-۲-۲-۱. نقد جریان فرهنگی رسمی.....	۴۵۴
۱-۲-۲-۲. مبارزه با استعمار و امپریالیسم.....	۴۵۶
۱-۲-۲-۳. بازگشت به خویشتن.....	۴۵۸
۳. گرایش اصلاح فکر دینی.....	۴۷۱
۱-۲-۱. شهری؛ نماینده احیای دینی.....	۴۷۹
۱-۱-۱. نایب‌الراستای احیای دینی.....	۴۷۹
۱-۲-۳. مبارزه با مارکسیسم.....	۴۸۳
۱-۳-۱. مقابله با جریان فرهنگی رسمی.....	۴۸۴
۱-۴. گرایش سنت‌گرا.....	۴۸۹
۲. نهادسازی فرهنگ مذهبی.....	۵۰۳
مدرسه‌سازی.....	۵۰۵
۳. انتشارات.....	۵۰۷
۴. ادبیات مذهبی.....	۵۱۸
۴-۱. مخالفت با جریان فرهنگی رسمی.....	۵۱۹
۴-۲. دعوت به مبارزه و انقلاب.....	۵۲۴
۴-۳. داشتن دغدغه هویت و تأکید بر بازگشت به خویشتن.....	۵۲۷
۴-۴. تأکید بر آموزه‌های دینی با برجسته کردن ابعاد سیاسی آنها.....	۵۳۰
نتیجه‌گیری.....	۵۳۹
کتابنامه.....	۵۵۱
۱. فارسی.....	۵۵۱

۵۵۱	۱-۱. کتاب‌ها
۵۷۷	۱-۲. مقالات
۵۸۰	۱-۳. نشریات و جراید
۵۸۱	۲. لاتین
۵۸۱	۲-۱. کتاب‌ها
۵۸۴	۲-۲. مقالات
۵۸۵	منابع الکترونیکی
۵۸۷	فهرست آیات
۵۸۹	فهرست اشعار
۵۹۵	نمایه
۶۲۳	نمایه موضوعی

پیشگفتار

در پرتو پیرری انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، بار دیگر دین و معرفت دینی به‌ویژه تعالیم هائیم اسلامی، به عنوان فکر و فرهنگ متمدنی و نجات‌بخش آدمی، در معرض حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات تعالیم و حیاتی و ارزش‌های اسلامی از سویی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح‌ستیمیزی در آنان شد و از دیگر سبب‌ها باعث نمایان‌تر شدن سست‌پایگی مسلک‌های سکولاریستی بشری و نظام‌های مبتنی بر آنها شد.

بایستگی تحقیقات دقیق و منسجم، نظر به حروری و نوآوری درباره زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظامات اجتماعی، بسی برآز و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث واقعه فکری، به فراخ‌ترش رابیط کنونی و درخور این رستخیز عظیم و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ملی و باورداشت‌های رایج دینی به منظور عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی دین و تبیین و عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری اقشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی-پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی ممحض و کارآمدی را فرض می‌نمود.

بر این اساس «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» به عنوان یک نهاد علمی-فکری حسب‌الامر و بر اساس نظر رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی

آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و با تلاش فراوان حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر رشاد در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

این پژوهشگاه دارای شخصیتی حقوقی، مستقل و در حکم نهاد عمومی و غیردولتی و غیرانتفاعی است که در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری بی‌ی و همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

«پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی» که متشکل از پنج گروه «فرهنگ ایرانی»، «مطالعات انقلاب اسلامی»، «تاریخ و تمدن»، «غرب‌شناسی» و «ادبیات اندیشه» است، در راستای ساماندهی تأمل‌ها و کاوش‌ها در خصوص تحولات فرهنگی و اجتماعی می‌کوشد زمینه تولید آثاری با جهت‌گیری انتقادی بوم‌رادر مورد مسائل و مشکلات حوزه‌های یادشده فراهم سازد.

۱. شناخت و بازپیرایی میراث مکتوب علمی اسلامی در حوزه تاریخ، تمدن، فرهنگ و هنر ایران و اسلام؛

۲. تحقیق در زمینه تحولات، مباحث و مدل تمدن، فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی؛

۳. تحلیل و بازکاوی کاستی‌های دیرین، آسیب‌شناسی وضعیت کنونی و بررسی چشم‌انداز و چالش‌های آتی فرهنگ و تمدن اسلامی و ارائه راهکارهای شایسته برای احیا و ارتقای فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی-عریقی، روند نسل امروز با آن؛

۴. بررسی و تبیین نظری پیشینه، مبانی، هدف‌ها و فرایند تحقق انقلاب اسلامی و مطالعه و بازشناسی مسائل و موانع انقلاب و راه‌های تحکیم اصول و توسعه آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی آن و مصون‌سازی طبقات اجتماعی در قبال تازش فکری-فرهنگی بیگانگان؛

۵. بازشناسی ماهیت و مؤلفه‌های فکر و فرهنگ غربی و نقد و ارزیابی علمی دستاوردهای تمدن جدید، بررسی راه‌های توسعه اندیشه اسلامی و طرق

اصطیاد عناصر انسانی و عقلانی فرهنگ و تمدن دیگر ملل؛

۶. نقد آثار منتشره و آرای مطرح شده در حوزه‌های مطالعاتی پژوهشکده.

نوشتار حاضر که نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند جناب آقای دکتر رضا بیگلر در گروه تاریخ و تمدن پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی است، به موضوع بررسی جریان‌های فرهنگی در دو دهه منتهی به انقلاب اسلامی می‌پردازد.

رضا بیگلر، استادیار تاریخ پژوهشگاه مطالعات اجتماعی ناجا و مدرس دانشگاه است. وی که در رشته تاریخ ایران دوره اسلامی با تخصص مسائل فرهنگی و اجتماعی دو دهه پهلوی است، دارای تألیفاتی با عناوین باستان‌گرایی در تاریخ معاصر، پیمایی عمومی آمریکا در ایران و چندین مقاله در این حوزه‌هاست.

این پژوهش موضوعی را مورد مطالعه قرار داده است که پژوهش مستقلی با این عنوان مخصوصاً در حوزه تاریخ با کنش در صورت نگرفته است. بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته درباره جریان‌های فرهنگی یا به طور موردی درباره روشنفکران است. انجام یک پژوهش در حوزه تاریخ با اتکا به مدارک و اسناد و منابع دست اول، یک ضرورت و فراهم آوردن بستر برای اتکای دیگر پژوهش‌ها در حوزه‌های علوم اجتماعی و سیاسی به آن است. اهمیت دیگر پژوهش در روشن کردن ابعاد اساسی تحولات جامعه است. از آنجایی که بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در بررسی تحولات عمده جامعه از منظر نگاه سیاسی و بررسی فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی است؛ به عبارت دیگر نگاه به جریان‌های عمده کشور و مطالعه آنها بر اساس شکل‌گیری و فعالیت احزاب است و کمتر جریان‌های عمده جامعه در قالب فرهنگی و اجتماعی بررسی شده است. این در حالی است که دیدن تحولات اساسی جامعه در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی دید روشنی به پژوهشگر و خوانندگان آن نمی‌دهد؛ زیرا ماهیت تحولات فرهنگی با ماهیت تحولات سیاسی متفاوت است. شمول و گستردگی که در جریان‌های فرهنگی وجود دارد، در جریان‌های سیاسی دیده

نمی‌شود و انطباق جریان‌های فرهنگی با جریان‌های سیاسی پژوهشگر را به بی‌راهه می‌برد. از دیگر وجوه اهمیت این پژوهش فهم عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی است. با وجود اینکه این پژوهش ماهیت مستقلی دارد، اما از آنجایی که سیر جریان‌های فرهنگی در پایان سلسله پهلوی و در آستانه انقلاب اسلامی به مسلط شدن جریان بومی‌گرا و مذهبی و همه‌گیر شدن ارزش‌ها و باورها و هنجارهای مربوط به آنها منجر شد، مطالعه این جریان‌ها در فهم علل پیروزی انقلاب بسیار مفید خواهد بود. اگر بپذیریم مقدمه هر انقلابی، مبارک و نفوذ فرهنگی و انتقاد و نشر اندیشه‌ها و عقاید است، پس هر انقلابی، انقلابی است که در اندیشه‌ها و باورها آغاز می‌شود؛ اما از آنجایی که ماهیت این انقلاب‌ها، انقلاب‌های آرام است و به صورت نامحسوس و بطنی صورت می‌گیرد و بسیاری از افراد شاید متوجه این دگرگونی‌ها نشوند. با مطالعه سیر جریان‌های فرهنگی است که می‌توان متوجه این انقلاب‌های آرام و تغییرات در سطح باورها و اندیشه‌ها شد و زمینه‌های مسلط شدن یک جریان خاص را دریافت.

فرضیه اصلی پژوهش این است که دگرگونی در آرایش جریان‌های فرهنگی و برتری جریان فرهنگی بومی‌گرا و نوگرای دینی در دهه ۴۰ و ۵۰ را باید در تحولات درونی این جریان و همچنین دگرگونی در زمینه‌های جریان فرهنگی چپ دانست. جریان فرهنگی مذهبی با دیدن برتری دگرگونی‌های جریان‌ها و موقعیت نابسامان خود به یک اصلاح دست زد و اقدام‌هایی اساسی به منظور پالایش زواید و ناخالصی‌ها، همگامی با شرایط روز و پاسخ‌دادن به نیازهای روز کرد. از سوی دیگر با دگرگونی‌هایی که در مبانی اندیشگی جریان‌های دیگر در سطح جهان به‌ویژه جریان چپ به وقوع پیوست، زمینه را برای اقبال همگانی و مسلط شدن جریان مذهبی فراهم ساخت.

روش این پژوهش به شیوه تاریخی و با تکیه بر منابع کتابی، اسناد، مجلات و شواهد دیگر است. این پژوهش به عنوان یک پژوهش بنیادی، در صدد است، بدون گریز برداری غیرخلاق از نظریه‌های موجود در علوم اجتماعی و سیاسی،

به کشف و توصیف جریان‌های فرهنگی ایران در این دوره پردازد. بر خود لازم می‌دانیم از تلاش‌های علمی و ارزشمند محقق محترم، جناب آقای دکتر رضا بیگدلو قدردانی و تشکر نماییم؛ همچنین از شورای علمی گروه تاریخ و تمدن آقایان حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد، حجت‌الاسلام والمسلمین علی ذوعلم، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدهادی دوست‌ممدی، دکتر محمدامیر شیخ‌نوری، دکتر محمد سپهری، دکتر علی بیگدلی، دکتر یعقوب توکلی، دکتر حسین احمدی، سیدضیاءالدین میرمحمدی، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسن محرمی، دکتر شهریار شجاعی‌پور و نیز از یاران محترم این تحقیق، آقایان دکتر علی بیگدلی و دکتر حسین احمدی که با ارائه سرمای ارزشمند خود بر غنای این اثر افزودند، کمال سپاس و امتنان را داریم از، بازمانده محترم انتشارات که در آماده‌سازی و چاپ اثر، مجدانه تلاش نمودند، سپاس‌گزاریم. در خاتمه امیدواریم نظرها و دیدگاه‌های خوانندگان عزیز و علاقه‌مندان، ما را در اصلاح و تکمیل این اثر و تولید آثار گرانسنگ دیگر یاری رسانند.

محمد بیخ و تمدن

پژوهشکده فرهنگ، مطالعات اجتماعی

مقدمه

فرهنگ به معنای گسترده آن را می‌توان نظامی از باورها، ارزش‌ها، سمبل‌ها، رفتارها و مصنوعات دانست، که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان‌شان و در رابطه با یکدیگر به کار می‌برند. و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. این تعریف نه تنها الگوهای رفتاری، بلکه الگوهای اندیشه که شامل معانی مشترکی است که اعضای یک جامعه به پدیده‌های گوناگون طبیعی، فکری و از جمله دین نسبت می‌دهند را در بر می‌گیرد؛ همچنین فرهنگ شیوه متمایز زندگی، ارزش‌ها، معانی مشترک رایج در دوره‌های مختلف تاریخی و گروه‌های مختلف، سنت‌ها، طبقات اجتماعی، خرده‌فرهنگ‌ها و غیره می‌باشد؛ به عبارت دیگر فرهنگ به مجموعه‌ای از ویژگی‌های متمایز مادی، فکری و معنوی اطلاق می‌شود که جامعه با مجموعه اجتماعی را متمایز می‌کند و به عضو خود مجال می‌دهد خود را شناسد و جز خود را نیز بر پایه آن بشناسد؛ بنابراین آنچه فرهنگ را مرزبندی می‌کند، ویژگی ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی یا اقتصادی آن است، زیرا باورها، ارزش‌ها، هنجارها و اندیشه‌ها مهم‌ترین هسته فرهنگ را تشکیل می‌دهند.

هر فرهنگی، «فضاهای فکری و فرهنگی» (Climates of opinion) خاص خود را پدید می‌آورد که افراد وابسته به آن فرهنگ در آن فضای خاص زندگی می‌کنند. این جامعه یا افراد وابسته به آن فرهنگ بر اساس ارزش‌ها، باورها و اندیشه‌های آن فضای فرهنگی می‌اندیشند، سخن می‌گویند و بر اساس

هنجارهای آن عمل می‌کنند. این فضاهاى فرهنگى نه تنها براى عموم مردم، بلکه براى نخبگان و سياست‌گذاران هم مقبوليت عام پيدا مى‌کنند. در هر جامعه يک يا چند کليت فرهنگى به وجود مى‌آيد که مى‌توان آنها را «جريان‌هاى فرهنگى» نام نهاد. بر اين اساس جريان فرهنگى را مى‌توان منظومه نسبتاً منسجمى از باورها، ارزش‌ها، عقايد، سبک‌هاى زندگى، هنر، دانش‌ها و نايشه‌هاى دانست که پذيرش اجتماعى مى‌يابند و در مرتبه بعد به نيروى اجتماعى مبدل مى‌شوند و اين نيروهاى اجتماعى به نوبه خود مى‌توانند زمينه تحولات اجتماعى و سياسى را در جامعه پديد آورند.

جريان‌هاى فرهنگى نوپديد معمولاً حول نظريه‌هاى بزرگ فرهنگى شکل مى‌گیرند. به عبارت ديگر منشأ پيدايش جريان‌هاى بزرگ فرهنگى را بايد در پيدايش و رايج شدن نظريات بزرگ فرهنگى جست‌وجو کرد. اين نظريه‌ها معمولاً از سوي روشنفکران برجسته جهانى پايه‌گذاري مى‌شود؛ بنا بر اين شناخت جريان‌هاى فرهنگى شناخت نظريه‌هاى مقبول و رايج روشنفکرانى که مؤسس يا مروج اين اندیشه‌هاى بزرگ هستند، ارتباط وثيق دارد. با وجود اين شناخت اندیشه روشنفکران هرچند براى شناخت جريان‌هاى فرهنگى لازم است، اما به تنهائى براى شناخت ماهيت جريان‌هاى فرهنگى كافى نيست؛ زيرا تا زمانى که نظريه‌هاى روشنفکران به طبقه اندىسمند محدود باشد، تنها يک جريان فکرى و اندیشه‌اى باقى مى‌ماند، در صورتى که يک جريان فرهنگى تبديل مى‌شود که در سطح جامعه و اقشار و طبقات گوناگون آن رايج يابد و به عبارتى مصرف عام پيدا کند. در اين صورت است که اندیشه‌هاى مذکور لباس جريان‌آفرينى بر تن مى‌کند و به تفسيرهاى مقبولى از انسان و جهان مى‌پردازد. در آن زمان، تفسيرها و مفاهيم جديد خلق مى‌شود و جريان فرهنگى متولد مى‌شود.

از سوي ديگر، از آنجا که فرهنگ پديدارى تاريخى است و هستى ثابتى ندارد و همواره در حال تحول و دگرگونى است، يکى از واقعيت‌هاى تاريخ هم اين است که تاريخ و زندگى بشرى ثابت و يکنواخت نيست؛ بنا بر اين با

رویکردی تاریخی می‌توان به شناخت عمیق‌تری از فرایند شکل‌گیری و تحول جریان‌های فرهنگی دست یافت.

در هر دوره نه تنها یک فضای فکری و به عبارت دیگر جریان فرهنگی، بلکه مجموعه‌ای از فضاها و فرهنگی وجود دارند که شیوه دگرگونی آنها از عصری به عصری باید مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و هر یک از این فضاها را باید در رابطه با بستر اجتماعی و نیز تجسم آنها در نهادها و مؤسسات مورد بررسی قرار داد. اگرچه، در هر دوره تاریخی معمولاً یک جریان فرهنگی خاص بنا به شرایط و عواملی موقتی تسلط می‌یابد که معمولاً آن دوره را به نام آن جریان خاص نام‌گذاری می‌کنند. اما این امر را نباید دلیل فقدان جریان‌های دیگر که متفاوت یا رو در روی جریان مسلط هستند، تلقی کرد؛ زیرا بر خلاف مسائلی چون سیاست و اقتصاد، فرهنگ و فرهنگ‌های است که بیشترین مقاومت را در برابر سلطه از خود نشان می‌دهد و در ساخت اجتماعی، انعطاف‌پذیرترین و نرم‌ترین قلمرو را برای خود می‌سازد.

جریان‌های فرهنگی در هر دوره‌ای رچند از همدیگر متأثر می‌شوند و وجوه اشتراکی با هم دارند، اما به‌طور کلی دارای باورها، ارزش‌ها و هنجارهای ویژه‌ای هستند. بدین سبب مطالعه مسائل فرهنگی بر تابه‌ای ایران به صورت جریان‌های فرهنگی می‌تواند با نشان دادن سیر کلی و دگرگونی تحولات فرهنگی به صورت طولی بسیار روشنگر باشد.

بیان مسئله

در مطالعه جریان‌های فرهنگی ایران باید دو دوره تاریخی مهم را مورد ملاحظه جدی قرار داد؛ یکی دوران قبل از برخورد ایران با فرهنگ و تمدن جدید غربی و دیگری دوران بعد از برخورد ایران با فرهنگ و تمدن جدید غربی. ماهیت جریان‌های فرهنگی در این دو دوره کاملاً متفاوت و سیر تحولات آنها از جنس دیگری است. در دوران قبل از برخورد، فرهنگ ایرانی نه در قالب جریان‌های متضاد یا متفاوت از هم، بلکه در قالب کلیتی قرار داشت

که با وجود داشتن گرایش‌های متعدد، به لحاظ مبانی، چارچوب و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده، بین آنها تفاوت اساسی نبود. در این دوره هرچند لایه‌های متفاوت فرهنگی وجود داشت که یکی از لایه‌های آن به سنن و آداب و رسوم ایران باستان متعلق بود و لایه‌ای از آن به حکمت یونانی بر می‌گشت، اما آن چیزی که چارچوب کلی این کلیت را تعیین می‌کرد، اسلام و فرهنگ دینی بود؛ را نگاه غالب به جامعه، طبیعت و هستی از موقعیت دین صورت می‌گرفت و اساسی‌ترین دستگاه معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی بر مبانی دینی استوار بود. لایه‌ها و گرایش‌های موجود در درون این کلیت هرچند تا حدودی دارای تعدد و تنوع بودند، اما به‌طور کلی عوامل همگرایی و انسجام بر عوامل واگرایی و تشتت غلبه داشت. به هر سبب می‌توان عنوان کرد فضای فرهنگی جامعه دچار تضاد و تقابل نبود و با ورود نه‌سازي‌ها بین گرایش‌هایی چون شریعت‌گرایی، تصوف، عقل‌گرایی و باستان‌گرایی، این تضادها در حدودی نبودند که انسجام و یک‌پارچگی کلیت را مورد تهدید قرار دهد. در بررسی جریان‌های فرهنگی دو سده اخیر، ورود و نفوذ فرهنگ غرب به ایران موضوع بسیار مهم و تأثیرگذاری محسوب می‌شود؛ به‌طوری‌که کمتر بدید و حادثه‌ای را به لحاظ تأثیر در جنبه‌های مختلف زندگی ایرانیان با آن بتوان مقایسه قرار داد. در تاریخ پرفراز و نشیب ایران، اگر ورود اسلام به ایران را مهم‌ترین حادثه تحول‌ساز در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران بدانیم، برخورد و تماس ایرانیان با اندیشه و تمدن غربی را می‌توان حاوی تأثیرهایی هم‌پایه و نزدیک به آن دانست. با ورود اندیشه‌های جدید به عرصه حیات فرهنگی ایران، جریان فرهنگی کهن و قدمایی دچار چالش‌های عمده‌ای شد. در سوی دیگر، جریان‌هایی پدید آمدند که هرچند پیشینه‌ای در تاریخ و جامعه ایران نداشتند، با این حال ورود این جریان‌ها، نگرش ایرانیان در مورد جامعه و هستی را دگرگون ساخت. به‌طورکلی، ارزش‌ها، ایستارها و کالاهای فرهنگی نوین بیش از پیش زندگی ایرانیان را تحت تأثیر خود قرار داد. گروهی از نخبگان ایرانی تحت فشار ناشی از شکست‌های سنگین سیاسی و نظامی و برای برون‌رفت از

عقب‌ماندگی و فراهم کردن شرایط و جامعه‌ای مطلوب، از جریان‌های جدید فرهنگی استقبال کردند. دوران مشروطه و سال‌های پس از آن دورانی بود که جریان فرهنگی تجدیدطلب موقعیت مسلط را داشت و جریان فرهنگی کهن و قدمایی را در یک وضعیت انفعالی قرار داد. این وضعیت در دهه‌های بیست و سی شمسی دچار تغییرات عمده‌ای شد و جای خود را به جریان چپ فرهنگی به عنوان جریان مسلط داد. محفل‌های روشنفکری، کتاب‌ها و مجلات عمده، رمان‌ها و ادبیات پرفروخته و مقبول به این جریان تعلق یافت. با این حال در سال‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی جریان بومی‌گرا و نوگرایی مذهبی جایگاه برتر و مسلط را با خود اختصاص داد و در نهایت در آستانه انقلاب به جریانی تبدیل شد که مقبولیت اجتماعی، برخورد توجهی یافت. این پژوهش بر آن است که این مسئله را مورد علت‌یابی قرار دهد که چرا درحالی که در دهه‌های آغازین برخورد فرهنگ و تمدن عربی، جریان تجدیدگرا تمامی ابعاد زندگی جامعه و انسان ایرانی را تحت تأثیر خود قرار داد، با سررشدن بر موقعیت کانونی جریان قدمایی را به حاشیه راند، هر نوع نماد، رزش و هنجاری که رنگ سنتی و مذهبی داشت، از علایم عقب‌ماندگی به شمار آمد که باید به کنار گذاشته می‌شد؛ اما چگونه شد این وضعیت در دهه ۵۰ دگرگون شد و جریان نوگرایی دینی و بومی‌گرا در موقعیت مسلط و کانونی قرار گرفت؟

پیشینه تحقیق

در مورد جریان‌های فرهنگی ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی تاکنون پژوهش مستقلی با این عنوان صورت نگرفته است. در مورد جریان‌های فرهنگی ایران تنها یک پژوهش صورت گرفته که محدوده زمانی آن بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۸۰ می‌باشد. این پژوهش با عنوان «جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران ۱۳۵۷-۱۳۸۰» به پیشنهاد معاونت فرهنگی- اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک توسط گروه تحقیق جهاد دانشگاهی زیر نظر سیدمصطفی میرسلیم و کاظم خورمهر انجام شده و توسط

مرکز بازشناسی اسلام و ایران به چاپ رسیده است. با این حال پژوهش‌های مرتبط با این پژوهش به‌ویژه در تاریخ روشنفکری و جریان‌های مربوط به آن یا به صورت موردی درباره روشنفکران بسیار است. این پژوهش‌ها یکی از منابع عمده تحقیقاتی در این باره محسوب می‌شود. پژوهش و مطالعه درباره تاریخ اندیشه و روشنفکران ایرانی با تمرکز بر موضوع تجدد غربی، آثار، پیامد و عمای آن نطفه‌هایش در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی بسته شد و از آن پس تاریخ‌نویسی در این حوزه همواره رو به فزونی گذاشت. چنان‌که امروزه مطالعه تاریخ روشنفکری به یکی از موضوعات و مباحث اصلی در تاریخ، علوم اجتماعی، سیاسی و حتی فلسفه تبدیل شده است. اولین آثار در این باره توسط پژوهشگرانی چون نذیر آدین‌آدمیت آغاز شد. وی با تکیه‌نگاری‌های عالمانه خود، پژوهش درباره روشنفکران و اندیشه‌گران دوره قاجار را ادامه داد. کتاب‌های اندیشه طالبوف تبریزی به سال ۱۳۲۶، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده ۱۳۴۹، اندیشه‌های میرزا انوشیروان کرمانی ۱۳۵۷، اندیشه ترقی و حکومت قانون ۱۳۵۱، سهم عمده‌ای در گشایش راه دارند که امروزه پژوهشگران در آن قدم بر می‌دارند. عبدالهادی حانری با انتشار «روایتی از اندیشه‌گران ایرانی با دو رویه تمدن‌بورژوازی غرب» این پژوهش را وارد مرحله جدیدی کرد. این کتاب یکی از آثار عالمانه و ماندگار در این حوزه است که چگونگی تولد روشنفکری ایرانی و واکنش‌های آن درباره تمدن غربی را به‌طور عمیق بررسی قرار می‌دهد. بعد از انقلاب اسلامی مرکز ثقل پژوهش‌های قلمرو تاریخ و تمدن به پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی به خارج از کشور و به مراکز دانشگاهی و پژوهشی اروپا، آمریکا منتقل شد و پژوهشگرانی چون مهرزاد بروجرودی، علی قیصری، فرزین وحدت، حمید دباشی، علی میرسپاسی آشتیانی، همایون کاتوزیان، نگین نبوی و بسیاری دیگر به پژوهش در این حوزه مشغول شدند.

در مورد فرهنگ و مسائل مربوط به دولت پهلوی هم شماری پژوهش صورت گرفته است که از پژوهش‌های ارزنده در این مورد باید از کتاب دولت و فرهنگ در ایران اثر محمدعلی اکبری نام برد که در بررسی سازمان‌ها، قوانین و

هدف‌گذاری در حوزه فرهنگ اثری بدیع می‌باشد؛ همچنین در مورد ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی دولت پهلوی هم پژوهش‌هایی صورت گرفته و ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی آن دولت را مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله آنها حسین بشیریه پژوهشگر برجسته حوزه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی کتابی با عنوان «ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم در دوره پهلوی» نگاشته، همچون کتاب «مبانی ایدئولوژیک حکومت در دوران پهلوی» توسط محمد حسن آصف تألیف شده و توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است. کتاب «انقلاب و فرهنگ سیاسی ایران» نیز توسط حمیدرضا اسماعیلی تألیف و توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است.

پرسش‌های اصلی، ته قیق

سؤال اصلی پژوهش این است که در جریان تحولات بنیادین و همه‌جانبه و حاشیه‌ای ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰، شناسایی کدام یک از جریان‌های فرهنگی توانستند در موقعیت کانونی قرار گیرند؟ و بروز این وضعیت در آرایش جریان‌های فرهنگی را چگونه می‌توان توضیح داد؟

سؤال‌های فرعی

۱. ایرانیان به لحاظ جریان‌های فرهنگی پیش از آشنایی با جریان‌های نوپدید چه وضعیتی داشتند؟
۲. منشأ اساسی ظهور و پذیرش جریان‌های فرهنگی جدید توسط ایرانیان چه بود؟
۳. ظهور سلسله پهلوی چه تأثیری در پیدایش و روند جریان‌های فرهنگی داشته است و اصولاً چه نسبتی میان دولت پهلوی و جریان‌های فرهنگی عمده در این دوره وجود داشته است؟
۴. آرایش جریان‌های فرهنگی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به چه صورتی بوده است؟